

اصفهان

بواسطه جناب فتح‌الله خان

فریدن

جناب آقا شیخ محمد علی علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای ثابت بر میثاق نامه که بحضرت متعارج الی مقعد صدق عند ملیک مقتدر جناب منشادی نگاشته بودی ملاحظه گردید چون آن حضرت بآستان حضرت احدیت صعود فرمود و محرم خلوتگاه لاهوت گردید لهذا این عبد بالتیابه جواب مینگارد صفحات فریدن و اصفهان هرچند در این ایام در نهایت انقلاب ولی چنین اوقات یاران الهی فرصتی یابند و وقت غنیمت شمردند و جولان کنند و از این میدان گوئی بریابند و اگر کار ایشان منحصر بحسن سلوک و موعظه حسنه باشد کاری از پیش نرود باید لسان بیان برهان گشود و اقامه ادله واضحه و حجت قاطعه بر ظهور شمس حقیقت نمود تا نفوس باهتزاز آید و قلوب منجذب گردد و ارواح مستبشر شود و ابصار توجه بملکوت ابهی نماید حضرت امیر را از قبل این فقیر تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید ایشان باید حمایت و رعایت احبای الهی نمایند تا از ایادی و السنه خلق بقدر امکان محفوظ مانند اما مرقوم نموده بودید که فریدن از دائره خط استوا دور است لهذا سردی از لوازم طبیعی او ولی شمس حقیقت در جمیع بلدان از سمت رأس مرور میکند و حرارتش بر جمیع اقالیم متساویست و خطوط شعاعیه اش را زاویه حاده پس چون بحقیقت نگرید ملاحظه خواهید نمود که ابعد بلاد از مطلع نیر آفاق بظاهر اقلیم غریبست حال ملاحظه میفرمائید که چه شور و وله و انجذابی در بلاد غرب برپاست و چه آهنگی بلند است فریدن که نزدیک طهران است معلوم است که باید چگونه باشد از قبل این عبد جناب آقا شیخ حسین را نهایت اشتیاق ابلاغ دارید و بگوئید که الحمد لله ید فضل موفور کأس مزاجها کافور نوشانید و سراج هدایت کبری در زجاجه قلب برافروخت و پرتو تجلی بر بصر و بصیرت زد و دلبر معانی با جلوه ربانی در شبستان روحانی عرض دیدار فرمود بشکرانه این فضل باید سبب شوی تا محرومان را محرم راز کنی و خاموشان را هم‌نغمه و هم‌آواز نمائی بخدمت امر قیام کنی تا عزت ابدیه یابی و سراج هدایت برافروزی و پرده اوهام خلق بسوزی و علیک البهاء الأبهی ع ع